

منع استمتاع از زوجه صغیره، به استناد مخصص لَبّی

ردیف	نام	نام خانوادگی	محل کار یا تحصیل	مرتبه علمی
۱	فاطمه	منظّمی	دانشگاه سمنان	دانشجوی دکتری
۲	مهدی	موحدی محب (نویسنده مسئول، عهده دار مکاتبات)	دانشگاه سمنان	دانشیار

چکیده:

نکاح صغیره، از یکسو با مقوله نکاح و از دیگر سو با حوزه حقوق اطفال، مرتبط و از این رو، مقتضی دقت مضاعف است. در نکاح صغیره، در عین اجماع بر حرمت آمیزش، استمتاعات غیر وطی از قبیل تفخید، تقبیل و... حتی در شیرخوار جایز شمرده شده است؛ که چه بسا مصداق کودک آزاری هم دانسته شود. نوشتار حاضر، به روش توصیفی تحلیلی، ضمن بررسی اقوال و ادله آن‌ها بر این باور است که اساساً موضوع استمتاع جنسی، زوجه بالغ بوده، نه طفل؛ و علاوه بر ایراد صدمات روانی و تربیتی که از این رهگذر به طفل وارد شده و به حکم ادله نفی ضرر، مورد نهی است، عقل نیز به طور قطعی، حاکم به قبح آن بوده و در واقع، این قبیل استمتاعات، با مخصص لَبّی، از حکم جواز، خارج و به حکم اولی، حرام است. اگر چه برخی برای پرهیز از معضلات یاد شده، نکاح صغیره را از اساس باطل دانسته‌اند که به نظر می‌رسد در صورتی که غرض عقلائی دیگری برای چنین نکاحی مطرح نباشد، باید آن را پذیرفت؛ و گرنه، به حکم قواعد عمومی باب معاملات و نکاح، عقد، با رعایت موارد یاد شده، عقد، صحیح است. از اهداف اصلی این نوشتار، که جنبه ابتکاری و انحصاری آن نیز محسوب می‌شود، بهره بردن از بحث مخصص لَبّی برای گره‌گشائی از یک مسأله فقهی و حقوقی است (بررسی نتیجه اعمال مخصص لَبّی در خصوص استمتاعات غیر وطی از زوجه صغیره) چه، تاکنون، بحث مخصص لَبّی، تنها در لابلای کتب اصولی و در قالب مثال‌های بسیط مطرح می‌شده و کم‌تر، در مقام افتادگان استناد شده است.

واژگان کلیدی: استمتاع غیر وطی، تفخیز، حقوق اطفال، حقوق کودک، مخصص لبی.

مقدمه

بحث نکاح صغیره از دیرباز در میان فقیهان مطرح بوده و تا به امروز، نظرات گوناگونی پیرامون آن ابراز شده است. آیا همان گونه که ولیّ طفل می تواند اموالی مانند خانه و اتومبیل، برای او خریداری کند، تا در آینده از آن منتفع شود، به همین شکل، می تواند برای وی عقد نکاح هم منعقد کند؟ آیا می توان گفت: با عنایت به نقش استمتاع جنسی، بعنوان یکی از اهداف اصلی نکاح، ایجاد رابطه زوجیت، پیش از به فعلیت رسیدن این موارد با بلوغ جسمانی، بی معنا و صحت آن مورد تردید است؟ مشهور فقهای امامیه، ضمن صحیح دانستن عقد نکاح، با استناد به برخی ادله لفظی، دخول به صغیره را به هیچ وجه جایز نمی دانند (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱۶/۲۹؛ طباطبائی یزدی، بی تا: ۳۱۸/۴؛ امام خمینی، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۱۰/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۶/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۶۷/۷) اما در استمتاع غیر وطی، دیدگاه دیگری مبنی بر جواز آن را مطرح کرده اند (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱۶/۲۹؛ طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹: ۵۶۳/۲؛ همو، بی تا: ۳۱۸/۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۲/۲۴؛ اصفهانی، ۱۴۲۲: ۶۹۶/۱؛ امام خمینی، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۲؛ اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵/۳؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶: ۲۰۸/۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ۳۰۵/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۲۲/۱) که چه بسا امروزه مصداق کودک آزاری و تجاوز به حقوق وی تلقی شود (نقوی، ۱۳۸۴: ۱۸۷-۱۸۹). مقالاتی که با این موضوع نگاه شده، با جستجویی که صورت گرفت، دو مورد است. یکی مقاله ای است که با عنوان «مبانی ممنوعیت استمتاع از زوجه نابالغ در فقه امامیه» (علمی سولا و محمدیان، ۱۳۹۲) منتشر شده و به استناد ادله نفی ضرر، منع استمتاع از زوجه نابالغ را حکمی ثانوی دانسته و فتوای فقها مبنی بر جواز استمتاع غیر وطی را حکم اولی مسأله می داند. مقاله دیگر «بازنگری در حکم استمتاع از صغیره» (کاظمی گلوردی و ایزدی، ۱۴۰۱) است که آن نیز با تحلیلی مشابه، بر اساس ادله نفی ضرر معتقد به ممنوعیت استمتاع شده؛ اگرچه تنها چکیده این اثر منتشر شده است. و روشن است که رویکرد هر دو اثر، با تحلیل نوشتار حاضر در استناد به مخصص لبی متفاوت است.

نکته دیگر، این که، در خصوص ارتباط عقد نکاح با استمتاعات جنسی، باید گفت: عقد دارای دو مقتضای ذات و اطلاق است که مقتضای ذات عقد، نتیجه و اثر مستقیمی است که طرفین به قصد حصول آن، عقد را منعقد کرده‌اند. برای مثال مفاد عقد بیع تملیک عین به عوض معلوم است؛ یعنی به محض وقوع عقد، مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود. حال اگر در بیع، شرط شود که مبیع به ملکیت مشتری در نیاید، شرط مزبور خلاف مقتضای ذات عقد بیع است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۷۳/۲). برخی نیز مقتضای ذات را دو دسته شرعی و عرفی می‌دانند. مقتضای ذات شرعی به این معنا است که این مقتضا را شرع مشخص کرده است، هر چند عرف این مقتضا را برای آن نداند. و عرفی به این معناست که عرف این مورد را مقتضای ذات این عقد می‌داند (مراغی، ۱۴۱۷: ۲۴۹/۲).

مقتضای اطلاق عقد نیز، آن چیزی است که عقد بر حسب اطلاق خود - یعنی در صورت عدم تقیید به اموری مانند وصف، مکان و یا زمان - مقتضای آن است. برای نمونه، اقتضای عقد بیع مطلق آن است که ثمن، نقد پرداخت شود و کلیه اختیارات نیز حسب مورد به وجود آید. با توجه به آن چه گفته شد، چنان چه شرط، خلاف مقتضای ذات عقد باشد، باطل و مبطل عقد است؛ اما شرط خلاف مقتضای اطلاق عقد، باطل نیست (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۷۳/۲).

در مورد مقتضای ذات نکاح چند دیدگاه وجود دارد. در یک دیدگاه، مقتضای ذات نکاح، علقه زوجیت است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۷۳/۲؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۲۷۲۶/۸). و در دیدگاه دوم، استمتاع، و اگر عقد دائم باشد از نگاه برخی، نفقه مقتضای ذات آن دانسته شده است (مراغی، ۱۴۱۷: ۲۴۹/۲).

آن چه در ارتباط با بحث حاضر باید گفت، این که آیا استمتاعات، مقتضای ذات نکاح است؟ و اگر آری، اساساً دیگر نکاح صغیرین، مجرا پیدا نمی‌کند؟

در این مورد باید گفت: بنا بر دیدگاه نخست در این مسأله، که استمتاعات را مقتضای ذات نکاح نمی‌داند، از این جهت، اشکالی در نکاح صغیرین نیست. اما بنا بر دیدگاه دوم که استمتاع، مقتضای ذات نکاح است، باید گفت مقتضای ذات، به این معناست که طرفین به محض انعقاد عقد نکاح، امکان استمتاع از یکدیگر را دارند چه، استمتاع عملی ارادی بوده و

تنها به موجب عقد، امکان آن به وجود می‌آید. در این فرض باید گفت: در صورت شرط عدم استمتاع، حتی پس از بلوغ، نکاح، باطل است. همان گونه که برخی، حکم به باطل و مبطل بودن چنین شرطی کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳: ۲۴۹/۸). اما در غیر صورت شرط، باید گفت: در نکاح با صغیره اگر چه به محض عقد نکاح، امکان استمتاع از زوجه وجود ندارد اما این ویژگی، به طور بالقوه در زوجه موجود است و پس از فعلیت، امکان استمتاع فراهم است. از این رو، به نظر می‌رسد اساساً عقد نکاح به این دلیل باطل نخواهد بود، چه، مانع، به صورت موقت، وجود دارد. مؤید این مورد، حق حبس است که زوجه می‌تواند تا زمان پرداخت مهر، از همبستری با مرد امتناع کند. چنان چه برخی با وجود آن که رابطه زناشویی را یکی از مقاصد نکاح می‌دانند اما آن را هدف اصلی نکاح نمی‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۵/۱).

از این رو بنا بر هر دو دیدگاه، چه مقتضای ذات عقد نکاح، علقه زوجیت بوده و چه استمتاع، عدم امکان استمتاع در زمان صغر، به عنوان مانعی برای صحت عقد نکاح به شمار نمی‌آید. ضمن آن که، اگر استمتاع، اقتضای اطلاق عقد نکاح نیز دانسته شود، عدم ایجاد مشکل در خصوص نکاح صغیره، به واسطه شرط عدم استمتاع یا به دلیل خاص، روشن و بی‌نیاز از توضیح است. هر چند، فرضیه نوشتار حاضر و اعتقاد به وجود مخصص لبی در مسأله، با فرض پذیرش و صحت نکاح صغیره مطرح می‌شود.

نوشتار حاضر، ضمن بیان دیدگاه‌ها و و بررسی ادله هر یک، با نگاهی توسعه‌ی در تحلیل مسأله داشته، می‌کوشد تا با ارائه تحلیلی مقبول، در بستر و چارچوب روش معهود استنباط، پاسخی درخور برای این پرسش بیابد. در واقع، پرسش اصلی نوشتار حاضر، آن است که: تأثیر پذیرش مخصص لبی در نکاح صغیره، در خصوص استمتاع غیر وطی، با طفل، چیست؟ دلیل تمرکز بحث بر استمتاع غیر وطی نیز از آن رو است که حرمت وطی صغیره، مسأله‌ای مشهور و تقریباً مورد اتفاق است.

اگر چه پرسش یاد شده، مسبق به سابقه بوده و در خلال آثار فقیهان یا در مقام پاسخ به استفتاء و مقالاتی چند (دوست محمدی، ۱۳۹۷: ۴؛ علی نژادی، ۱۳۹۷: ۲۱۵-۲۲۰؛ علمی سولا، ۱۳۹۲: ۱۷۷) بدان پرداخته شده، اما آن چه تجدید بحث از آن را توجیه می‌کند، روشی است که صاحب این قلم، در تحلیل و تبیین مسأله و پاسخ بدان داشته، که چه بسا به این

شکل، و از رهگذر ظرفیت‌های مخصص لَبی، سابقه ندا شته و در واقع، بررسی نتیجه اعمال مخصص لَبی در خصوص استمتاعات غیر وطی از زوجه صغیره، جنبه ابتکاری و انحصاری نوشتار حاضر به شمار می‌رود.

۱. استمتاعات غیر وطی با زوجه صغیره

با وجود آن که طبق قول مشهور فقها حکم به جواز نکاح صغیره شده است اما فقیهان، استمتاعاتی، چون دخول را ممنوع دانسته‌اند. (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱۶/۲۹؛ طباطبائی یزدی، بی‌تا: ۳۱۸/۴؛ امام خمینی، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۱۰/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۶/۱؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۶۷/۷؛ اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵/۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ۳۰۵/۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۲/۲۴؛ اصفهانی، ۱۴۲۲: ۶۹۶/۱؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶: ۲۰۸/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۲۲/۱). چه، وطی با دختر نابالغ، موجب صدمات جسمی، چون افضاء برای او بوده و در این مورد، دلیل خاص وجود دارد. هم چنین، بنا بر دیدگاه مشهور، به موجب افضاء زن بر مرد حرام ابدی می‌شود اما مرد باید نفقه زن را تا پایان عمر او پردازد. (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱۶/۲۹؛ طباطبائی یزدی، بی‌تا: ۳۱۸/۴؛ امام خمینی، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۱۰/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۶/۱؛ مدرسی، ۱۴۲۷: ۱۳۵/۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ۲۳۸/۲؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۶۷/۷) و بنا بر نظر دیگر، زن بر مرد، حرام نمی‌شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۹۲/۷).

اما در مورد سایر استمتاعات از قبیل تفخیز، تقبیل و ... دیدگاه مشهور، جواز است، که در ادامه، دیدگاه فقها و ادله آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۱ دیدگاه فقها

۱-۱-۱: **عدم بیان حکم استمتاعات غیر وطی:** بنا بر جستجوی انجام‌شده، فقهای پیش از صاحب عروة (متوفی به سال ۱۳۳۷ هـ.ق) بحث استمتاعات غیر وطی را مطرح نکرده‌اند. چه بسا دلیل آن، یکی از این احتمالات است: احتمال نخست، بدهتِ منع و حرمت این قبیل استمتاعات از نظر فقها بوده که سبب عدم بیان آن گردیده است. و این که از نگاه ایشان، هرگونه

استمتاع جنسی از صغیر، ممنوع بوده است. احتمال دیگر آن که، به دلیل بدهت جواز این امر از نظر ایشان، این فرض را مطرح نکرده‌اند. احتمال اخیر نیز مطرح نبودن این قبیل اقدامات در جامعه، به لحاظ سبک زندگی و به تبع، عدم پرسش از فقیهان بوده است.

۱-۱-۲: **حکم به جواز استمتاع غیر وطنی:** از سید یزدی (صاحب عروه) تا پس از وی، مشهور فقهاء حکم به جواز استمتاع غیر وطنی، از زوجه صغیره (از قبیل تفخیز، تقبیل و لمس با شهوت) کرده‌اند بطوری که اقوال فقهاء در این مورد با عباراتی تقریباً مشابه بیان شده است. (حسینی سیستانی، ۱۴۱۷: ۱۰/۳؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۴۱۶/۲۹) و برخی در ادامه حکم یادشده، عبارت «و لو فی الرضیعة» را نیز آورده‌اند (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۲؛ اصفهانی، ۱۳۹۳: ۱۴۵/۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶: ۳۰۵/۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۲/۲۴؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۸۰/۱۴؛ اصفهانی، ۱۴۲۲: ۶۹۶/۱؛ طباطبائی یزدی، بی تا: ۳۱۸/۴؛ همو، ۱۴۰۹: ۵۳۶/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ۲۲/۱؛ مرعشی نجفی، ۱۴۰۶: ۲۰۸/۲).^۱

۱-۱-۲-۱: **ادله قول به جواز استمتاع غیر وطنی:** در کتاب عروه، بدون بیان دلیل، تنها به بیان حکم به جواز، بسنده شده است، اما فقهای پس از سید یزدی، در ادامه عبارت، به ادله حکم هم اشاره کرده‌اند. از جمله:

الف: عدم دلیل بر حرمت؛ چه، مستفاد از عمومات ادله، جواز هرگونه استمتاعی از زوجه است که در مورد صغیره، دخول، به دلیل خاص، از آن، استثنا شده، اما سایر استمتاعات، تحت عموم، باقی است (خوئی، ۱۴۱۸: ۱۲۶/۳۲؛ إشتهاردی، ۱۴۱۷: ۱۶۵/۲۹).

ب: اصل اباحه (سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۳/۲۴).

ج: اطلاق ادله، که استمتاع غیر وطنی را نیز شامل می‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۳/۲۴).

^۱ أما الاستمتاع بما عدا الوطی من النظر و اللمس بشهوة و الضم و التفخیز فجائز فی الجمیع و لو فی الرضیعة (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹: ۸۱۱/۲).

نقد و بررسی: از مقدمات انعقاد اطلاق، عدم انصراف لفظ به معنایی خاص و مقید است و گرنه امکان استناد به اطلاق وجود ندارد. در مورد بحث نیز باید گفت: واژه استمتاع از زوجه، منصرف به گونه متعارف آن بوده و انصراف ادعائی هم انصراف ظهوری است، که مانع انعقاد اطلاق است، نه انصراف بدوی. در حالی که استمتاع از صغیره و رضیعه، متعارف نیست و دلیل دیگری هم بر جواز در این مورد، وجود ندارد؛ بنابراین، با وجود این انصراف، تمسک به اطلاق و اصل اباحه امکان پذیر نیست. (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۸: ۷۷۲/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۳۶/۱) و اساساً موضوع استمتاع از زوجه در نگاه عرف، با بلوغ، عجزین و همراه است. بنابراین، جواز استمتاع مختلف از زوجه، شامل صغیره و رضیعه نمی شود؛ چون اساساً آن ها بصورت بالفعل، زوجه قابل استمتاع نیستند؛ بر این اساس، اصل اباحه که اختصاص به فرض شک دارد نیز موضوع خود را از دست داده و جریان نخواهد داشت. ضمن آن که مخصص لیبی مورد ادعا نیز می تواند دلیل مستقلی بر عدم جواز باشد؛ که شرح و بسط آن در ادامه خواهد آمد.

اشکال و پاسخ: ممکن است گفته شود: استدلال به انصراف، یک بحث لفظی است یعنی لفظ باید چنین تمایل و انصرافی به معنای مورد ادعا داشته باشد. در حالی که واژه استمتاع، به خودی خود هیچ تمایل یا انصرافی به این معنا نداشته و حیطه معنای آن وسیع است. در پاسخ باید گفت: نفس استمتاع مورد نظر نیست تا کسی بگوید: واژه استمتاع، شامل صغیره و رضیعه هم می شود؛ بلکه استمتاع به عنوان یکی از آثار زوجیت و در چارچوب آن، مورد نظر است؛ و گرنه، استمتاع از هر جمادی هم چه بسا ممکن است صورت گیرد. در واقع، استمتاع از زوجه، محل بحث و مناقشه است، که به استمتاع از زوجه بالغه، به نحو ظهوری، منصرف است.

د: اتفاق نظر فقیهان (سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۳/۲۴).

نقد و بررسی: روشن است که در موردی که ادله لفظی در دست است، استناد به اجماع و اتفاق نظر فقیهان، به معنای اجماع مصطلح که کاشف از رأی معصوم است، نبوده و چنین اجماعی مدرکی و نامعتبر خواهد بود. بنابراین، اتفاق نظر فقیهان، به فرض تحقق، تنها جنبه مؤید پیدا می کند.

۱-۱-۳: عدم جواز استمتاعات به حکم ثانوی: برخی از فقهای معاصر پس از بیان حکم اولی (جواز استمتاعات مادون وطی از صغیره)، آن را قابل تأمل دانسته^۲ (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸: ۷۷۲/۲؛ مدرسی، ۱۴۲۷: ۱۳۵/۴) و برخی پس از قول به جواز، به حکم ثانوی نیز اشاره کرده و استمتاعات را به دلیل این که منشأ ضرر به صغیره نیست، جایز می‌دانند، حتی در رضیعه؛ و در صورتی که این موارد نیز موجب ضرر شود، نباید آن‌ها را هم جایز دانست (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۴۹۹/۵).

۱-۳. نگاه نگارنده

آنچه سبب طرح موضوع حاضر بعنوان پژوهشی مستقل گردیده و ضرورت آن را روشن می‌کند، روش و چگونگی استدلالی است که عدم جواز استمتاعات غیر وطی از قبیل تفخیز، مستند به آن شده و حسب جستجوی انجام شده مسبق به سابقه نیست. نگارنده بر این باور است که مخصص لبی موجود در این مسأله سبب می‌شود از ابتدا عموم جواز تمامی انواع استمتاع، که شامل امثال تفخیز شود، شکل نگرفته و مخصص لبی در این مسأله در نقش مخصص متصل بوده و از ابتدا این قبیل موارد، مشمول عموم اوله جواز استمتاعات نبوده و به حکم اولی از حکم جواز استمتاعات از زوجه، خارج است. از سوی دیگر، مباشرت با زوجه صغیره نیز بنا به دلیل خاص، مورد نهی و حرام است. از این رو ممکن است ایراد تخصیص اکثر، مطرح شود. براین اساس، معتقدیم اگر غرض عقلانی قابل اعتنائی، بر انعقاد نکاح و برقراری رابطه زوجیت مترتب نباشد، قول به بطلان نکاح صغیره که در میان فقیهان معاصر نیز طرفدارانی دارد (مکارم شیرازی)، خالی از قوت نیست.

در توضیح مخصص لبی باید گفت: اگرچه روش معمول از سوی شارع، بیان احکام در قالب عام و خاص لفظی است؛ اما در مواردی نیز بنا به مصالحی، مخصص، بصورت لفظی بیان نمی‌شود؛ بلکه عقل آن را دریافته یا ارتکاز عقلانی، آن را می‌پذیرد. در این صورت نیز فرد، مکلف به در نظر گرفتن مخصص بوده و باید به حکم آن ملتزم باشد.

^۲ - لایجوز وطئ الزوجة قبل إكمال تسع سنين حره كانت أو أمه دواماً كان النكاح أو متعة، بل لایجوز وطئ المملوكة والمحللة كذلك، وأما الاستمتاع بما عدا الوطئ من النظر واللمس بشهوة والضم والتفخيز، فجائز في الجميع ولو في الرضیعة. هذا هو المشهور الذي اتفقوا عليه، وفيه تأمل.

۱-۳-۱. دلیل قول برگزیده: استناد به مخصص لّبی؛ مخصص لّبی، مخصصی

است که از نوع معنا بوده، قالب لفظی ندارد و عقل، ثبوت آن را درک می‌کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ۶/ ۲۵۰) و در مقابل مخصص لفظی است (مشکینی، ۱۳۷۱، ۱۱۰) به بیان دیگر، مخصصی که در لفظ و کلام نباشد، مخصص لّبی است. بر این اساس، به موجب مخصص لّبی، افرادی، از تحت عام، خارج می‌شوند. هم چنین، مخصص لّبی را از طریق عقل، اجماع (مظفر، ۱۳۷۰، ۱/ ۲۷۳) سیره شرعی و متشرعه (سبحانی، ۱۴۲۴، ۲/ ۵۲۰) و دلیل اعتقادی دانسته‌اند (ذهنی تهرانی، ۱۳۸۰، ۳/ ۱۸۱۰). مانند آن که شخصی به خادم خویش بگوید: "تمام همسایگان را به منزل من دعوت کن". این جمله، عام است، ولی اگر برای خادم چنین قطعی حاصل شود که صاحب منزل هیچ‌گاه مایل نیست دشمنانش به خانه او بیایند در این جا این قطع و جزم عقلی، حکم عام را تخصیص می‌زند. یعنی به همسایگانی که با صاحب منزل، دشمنی و عداوتی ندارند، محدود می‌شود. این گونه مخصص را در اصطلاح علمای اصول فقه، مخصص لّبی نیز می‌نامند (محقق داماد، ۱۳۷۵، ۱/ ۸۶). در بحث حاضر نیز فقها با نگاه به عموم ادله نکاح، حکم به جواز استمتاع داده‌اند. در این بین، باید دید آیا در عین فقدان مخصص لفظی، مخصص لّبی نیز مورد نظر شارع نبوده است؟ به این معنا که ممکن است مخصصی لّبی، عموم عام را تخصیص زده و افراد آن را محدود کرده باشد. از این رو، می‌توان گفت: اگرچه روش معمول از سوی شارع، بیان احکام در قالب عام و خاص لفظی است، اما در مواردی نیز بنا به مصالحی، مخصص، به صورت لفظی بیان نمی‌شود بلکه عقل آن را جزماً دریافته یا این که ارتکاز عقلانی، آن را می‌پذیرد. در این صورت نیز فرد، مکلف به در نظر گرفتن مخصص بوده و باید به حکم آن، ملتزم باشد. با این توضیحات، اصل اعتبار مخصص لّبی در این نوشتار مورد قبول بوده و بعنوان اصل موضوع، پذیرفته می‌شود. البته ذکر این نکته نیز ضروری می‌نماید که، فرق اساسی مخصص لّبی و استحسان، که به «العدول عن مقتضی الدلیل إلی ما یتحسنه المجتهد» یا «العمل بالرأی والظن» (سبحانی، ۱۴۲۵، ۱۶۲ و ۱۷۰) تعریف شده، در قطعی بودن درک عقل و نوعی بودن آن، به عنوان مخصص لّبی یک حکم شرعی، و ظنی بودن استحسان، شخصی بودن و وابسته بودن آن، به تشخیص مجتهد است.

در بحث پیش‌رو، دلیل عام لفظی برای اثبات جواز تمامی استمتاع‌های غیر وطی از صغیره، ادله جواز استمتاع‌ها از زوجه بوده و مخصص لَبی آن، به حکم قطعی عقل، قبح و ممنوعیت هرگونه استتماعی است که به جسم و روح و روان وی آسیب می‌رساند؛ حتی اگر بدان تصریح نشده و بصورت لفظی، استثنا نشده باشد. در بحث امکان یا عدم امکان استمتاع‌ها مادون وطی، اگر به ادله لَبی توجه گردد، این استمتاع‌ها جایز نبوده و این کار به حکم اولی حرام است چنانچه برخی از نویسندگان (علمی سولا، ۱۳۹۲، ۱۷۷) سعی نموده با کمک گرفتن از عناوین ثانوی هم‌چون لاضرر و عسر و حرج در این احکام، حکم به حرمت آن‌ها را تبیین کنند درحالی‌که با وجود حکم اولی نوبت به اجرای احکام ثانوی نمی‌رسد. همچنین در بحث جواز فسخ در نکاح صغیره به نظر می‌رسد ادله روایی دو دیدگاه قابل جمع نبوده و پس از تساقط، ناگزیر به ادله لَبی موجود استناد می‌شود. از این‌رو عموم ادله لزوم نکاح به حکم عقل تخصیص خورده و کودک، پس از رسیدن به سن بلوغ، حق فسخ نکاح خود را خواهد داشت. چه، تحمیل ازدواج، عقلاً قبیح بوده و شایسته نیست. در موضوع مورد بحث عمده‌ی ادله‌ی مورد استناد بر اثبات قول به جواز، استناد به عموم و اطلاق ادله جواز استمتاع‌ها از زوجه است؛ اما به نظر می‌رسد حتی اگر مخصص لفظی برای ادله مطرح شده وجود نداشته باشد باز هم عام به شمول خود باقی نبوده و مخصص لَبی در این مورد، عام را تخصیص زده و دامنه شمول و گستره نفوذ آن را محدود می‌کند. به این بیان که از نگاه عقل، استمتاع‌ها مادون وطی با صغیره قبیح بوده و با طفل شیرخوار، قبح این کار، مضاعف است و هیچ عقل سلیمی این استمتاع‌ها را شایسته نمی‌داند. چه، نه با رجوع به عقل عرفی و نه با استناد به قول خیره، این امر شایسته نبوده و به هیچ‌وجه جایز نیست.

ضمن آن‌که ممنوعیت استمتاع‌های آسیب‌زننده به جسم و روان کودک را به طور مطلق (وطی و غیر آن) می‌توان از ادله لفظی ممنوعیت وطی، بوضوح، نتیجه گرفت. زیرا دلیل منع از وطی، جلوگیری از ایراد آسیب جسمانی و عدم آمادگی وی برای وطی دانسته شده است و از این رو قابل تعمیم به هر استمتاع آسیب‌زننده به جسم و روان وی خواهد بود. چه، آسیب روانی، اگر مهم‌تر از آسیب جسمانی نباشد، اهمیت کم‌تری ندارد.

در همین راستا، بر اساس تحقیقات انجام‌شده (کشاورزولیان، ۱۳۸۹، ۴۲؛ محمدزاده،

۱۳۹۹، ۱؛ نقوی، ۱۳۸۴، ۱۸۷-۱۸۹) در زمینه روانشناسی، هر گونه استمتاع جنسی از طفل می‌تواند به عنوان کودک‌آزاری تلقی گردیده و صدمات جبران‌ناپذیری را بر روح و روان و بعضاً جسم کودک وارد کند.

همین‌طور، امروزه برقراری رابطه جنسی با اطفال از دیدگاه علم روانشناسی یک اختلال روانی محسوب می‌شود تا جایی که در پژوهش‌های موردی انجام شده، پژوهشگران معتقدند: دخترانی که در دوران کودکی با آن‌ها رابطه جنسی برقرار شده و به نوعی آزار جنسی دیده‌اند در ویژگی‌هایی چون خویشن داری، اجتماعی شدن، برداشت خوب، احساس سلامتی، کارایی ذهن، استعداد روان‌شناختی، سطح تحمل و استعداد کسب، با دیگران تفاوت داشته و از دختران هم‌سن خود، نمره پایین‌تری دریافت کرده‌اند. از سوی دیگر، آزار جنسی، این‌گونه تعریف شده است: هر نوع فعالیت جنسی با کودک، قبل از سنی که بتواند رضایت قانونی داشته باشد؛ از همین روی، نوازش اندام جنسی طفل و عورت‌نمایی به او از زمره آزار جنسی‌اند. (نقوی، ۱۳۸۴، ۱۸۷-۱۸۹) که می‌توان گفت: لمس با شهوت، تفریح و مانند آن نیز از مصادیق آزار جنسی بوده و صرفاً محرمیت ایجاد شده با عقد نکاح، از نگاه کودک، تغییری در ماهیت آزار دهنده آن، ایجاد نمی‌کند.

بنابراین، نه به حکم ثانوی (علمی سولا، ۱۳۹۲، ۲۱۱) و تنها در فرض احراز ضرر شخصی، بلکه به جهت نوعی بودن صدمات روانی، چنین استمتاعاتی، به حکم اولی، حرام است. هر چند، اثبات حکم حرمت، در قالب حکم ثانوی و از مجرای قاعده لاضرر، واضح و بی‌نیاز از توضیح است.

۱-۳-۲- حکم وضعی

پرسشی که مطرح است این‌که، در فرض صحت نکاح صغیره، با وجود حکم تکلیفی حرمت استمتاع، در صورت ارتکاب، آیا حکم وضعی نیز بر او بار می‌شود؟ مقصود از حکم وضعی در این موضع، حکم ضمان است. البته بطلان نیز می‌تواند مطرح باشد اما ضمان، با فرض صحت نکاح مطرح می‌شود. به این معنا که به فرض صحیح بودن نکاح با صغیره، در صورت ارتکاب استمتاع از او، بحث ضمان مرتکب، مطرح می‌شود که البته طریق و روش

خروج عهده از ضمان نیز بحث دیگری است؛ اما آن چه مشخصاً در این جا مورد نظر است، خود ضمان است. گو این که خود استمتاع، یک عمل حقوقی نیست تا بتوان در خصوص صحت یا بطلان آن بحث کرد. در پاسخ باید گفت: چنین استمتاعی بی‌شک باعث ایجاد ضررهای بسیار و بعضاً جبران‌ناپذیری بر روان صغیره است، از این رو، باید جبران ضرر نیز در یک نظام قانونمند، پیش‌بینی شود؛ چه، بدون تدارک ضرر، همچنان بازدارندگی لازم، ایجاد نشده، عدم پیش‌بینی راه‌هایی برای جبران ضرر زیان‌دیده نیز شایسته نظام حقوقی اسلام نیست. در تعریف ضرر نیز آمده است «هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت شخص، ضرر و لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است» (بجنوردی، ۱۴۰۱، ۲۰۴/۱).

بنابراین در موضوع مورد بحث، با محرز بودن ضرر وارده در صورت استمتاع غیر و طی، می‌توان گفت: جبران این گونه ضررها پس از سنجش میزان ضرر از سوی مراجع ذی صلاح و از طرق مقتضی، الزامی است؛ هر چند جبران کامل آسیب‌های روحی و لطمه‌های روانی، از طرق مادی، مشکل است.

۱-۳-۳. حکم مسأله در موارد شبهه

به فرض آن که دلیل عام، دالّ بر جواز تمامی استمتاع بوده و منع، مستفاد از دلیل خاصّ لّبی باشد، در صورتی که در مصداق خاصی از استمتاع، تردید کنیم که، آیا مشمول حکم جواز است یا منع؟ و اساساً مقتضای قاعده چیست؟ برخی معتقدند: اگر مخصص لّبی از مواردی باشد که ناگفته پیدا بوده و کاملاً آشکار است و قانون‌گذار، به جهت آشکار بودن، بدان تصریح نکرده، به طوری که -در فرضی که در صدد بیان است- اعتماد به وضوح آن، در مقام مخاطب، صحیح باشد، حکم آن همانند مخصص متصل بوده و با وجود آن، ظهوری برای عام منعقد نمی‌شود، مگر در ماعدا الخاص و اگر مخصص لّبی تا این حد ظاهر و ضروری نبوده به طوری که اعتماد متکلم بر آن صحیح باشد در این صورت، ظاهر آن است که عام مشتبه، بر حجیت خود باقی است. (آخوند خراسانی، بی تا، ۲۲۳) سرّ این تفصیل آن است که در این گونه مخصص، تنها یک ظهور منعقد می‌شود. بر این اساس تا هنگامی که قطع

به خلاف نشده، لازم است که از عموم، تبعیت شود؛ به این معنا که تنها در مواردی که یقیناً از عموم، خارج‌اند، به عام تمسک نشده و در موارد مشکوک، به عموم عام تمسک می‌شود. بر اساس این دیدگاه، تنها استمتاع کم تر از وطی بیان شده و مواردی که در مورد آن یقین داریم از تحت عام خارج شده و ممنوع است اما در مورد سایر استمتعاعاتی که در حکم آن شک داریم، باید گفت: حکم، حلیت آن بوده و از عموم عام، خارج نیستند؛ چه، مخصص، لَبی بوده و لفظی نیست، برخلاف فرضی که مخصص، لفظی باشد که دو خطاب لفظی از مولی صادر شده و هر دو حجت است و چون ظهور دلیل خاص، اقوی بوده یا خاص، قرینه بر مراد از عام است، بر آن، مقدم شده و گویا از ابتدا، کلام، شامل خاص نیست. به طور کلی و با این تحلیل، در مخصص لَبی، نسبت به فرد مشتبه، بناء عقلا بر حجیت عام و جریان أصالة الظهور است.

بنا بر دیدگاه دوم، برخی معتقدند (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ۲۵۰/۶) فرقی بین مخصص لفظی و مخصص لَبی وجود ندارد و حجت در ارتباط با مولا، اختصاص به حجت لفظی نداشته و حجت عقلی هم مربوط و منتسب به مولا است. از این رو، در جایی که عبد، قطع به عداوت زید- که همسایه مولا است- دارد، اگر عبد او را اکرام نکرده و مولا او را مؤاخذه کند، در مقابل مولا ایستاده و می‌گوید: «من قطع داشتم به این که زید، دشمن تو است و قطع داشتم که اراده جدی تو، به وجوب اکرام دشمنت تعلق نگرفته است». پس در این جا هم حجتی - غیر از عام وجود دارد. در جایی که عقل ادراک می‌کند «اکرام دشمن مولا واجب نیست»، ادراکش به صورت یک ضابطه کلی و کبرای کلی است. عقل همیشه احکام کلی را درک می‌کند. و چه بسا این کبریاتی که عقل درک می‌کند، در حال ادراک- و حتی بعد از ادراک- برای آن از نظر عقل، یک صغری هم مشخص و معین نباشد. وقتی امروز مولا می‌گوید: «اکرم کلّ جیرانی» فردا عبد به عقل خود مراجعه کرده و از او سؤال کرد و عقل در پاسخ گفت: «مولا، اکرام دشمنانش را اراده نکرده است»، چه بسا در حالی که این مسئله را ادراک کرد، حتی یکی از همسایگان مولا را به عنوان دشمن نمی‌شناسد بلکه پس از آن تحقیق می‌کند که چه کسی دشمن مولا و چه کسی دشمن او نیست. مولا که امروز دستور «اکرم کلّ جیرانی» را صادر کرده است، چه فرق می‌کند که فردا خودش با دلیل لفظی بگوید: «لا یجب اکرام العدو من جیرانی» یا این که عبد از طریق عقل این مسئله را کشف کند؟ بر اساس ضوابط، فرقی بین این دو نیست. بنابراین،

همان‌طور که در شبهه مصداقیه مخصّص منفصل لفظی، تمسک به عام را جایز نمی‌دانیم، در شبهه مصداقیه مخصّص منفصل لَبّی هم، تمسک به عام را جایز نمی‌دانیم. براساس این دیدگاه، اگر در مورد استماعی تردید کنیم که آیا مشمول عموم بوده و حلال است یا در گستره خاص است و حرام، امکان تمسک به عام و حلال دانستن آن را نداریم. اما در هر صورت چه معتقد به دیدگاه نخست باشیم و چه دیدگاه دوم، باید گفت: چون این موضوع از مقوله فروج یا اعراض است و طبق قاعده احتیاط در فروج و اعراض در صورت وجود شبهه، در این مسائل، مأمور به احتیاط هستیم و در مسأله مورد بحث، اقتضای احتیاط، عدم جواز مواردی است که عقل، به عدم ارتکاب آن، حکم می‌کند.

براین اساس، مقتضای قاعده در موارد شک در جواز استماعی خاص، تمسک به عموم عام و جواز آن است؛ الا این که در مسأله فروج، به جهت دلیل خاص، مأمور به احتیاط و حکم به منع هستیم.

نتیجه‌گیری

در بررسی‌های انجام‌شده، با فرض جواز تزویج وی از سوی ولی، به مسأله جواز یا عدم جواز استمتاع غیر از وطی از صغیره و ادله دو سوی آن پرداخته شد؛ که به مهم‌ترین احکام و نتایج بحث، در ذیل، اشاره می‌شود:

۱- مخصّص لَبّی از مواردی است که در صورت عنایت به آن، در مواردی می‌تواند در کشف مراد قانون‌گذار مؤثر بوده و در به عنوان یکی از ابزارهای فقه پویا در گره‌گشایی از مشکلات فقهی و حقوقی جامعه، مؤثر باشد؛ نه آن که تنها به عنوان یکی از موضوعات اصولی نظری و تنها در قالب چند مثال بسیط، مطرح بوده و در مقام افتاء، مورد توجه قرار نگیرد.

۲- فرق اساسی مخصّص لَبّی و استحسان، این است که درک عقل، به عنوان مخصّص لَبّی یک حکم شرعی، قطعی و نوعی بوده و بر این اساس، معتبر است؛ لکن استحسان، ظنی، شخصی و وابسته به تشخیص مجتهد بوده و از همین رو، نامعتبر است.

۳- هرگونه استمتاع غیر وطی از صغیره، عقلاً قبیح بوده و به حکم مخصّص لَبّی از تحت عموم ادله جواز استمتاع خارج و حرام است و علقه زوجیت، قبح این استمتاع از صغیره را از بین

نمی‌برد. این حکم از احکام اولیه بوده و در نتیجه باید گفت: اساساً از ابتدا چنین جوازی در شریعت اسلام وجود ندارد تا به وسیله‌ی ادله احکام ثانویه، آن را در موارد بخصوصی ممنوع بدانیم.

۴- در ضمان وضعی ارتکاب این عمل باید گفت: در صورت ارتکاب و ایراد ضرر، اعم از آسیب جسمی و روانی، ضمان، مسلم است و حسب صلاحدید دادگاه پس از سنجش میزان ضرر باید خسارات ناشی از آن، تا حد امکان، جبران گردد.

۵- در صورت شک در جواز استمتاعی خاص، از کودک، به دلیل لزوم احتیاط در فروج، قائل به حرمت شده و ادله احتیاط یادشده، مانع از تمسک به عام خواهد بود.

۶- در انعقاد بدوی عقد نکاح نیز در صورت فقدان مصلحت و غرض عقلانی قابل اعتنا، به لحاظ مفاسدی که توضیح آن رفت و ادله لزوم احتیاط در فروج، نه تنها قول به عدم جواز استمتاع را ترجیح داده بلکه حتی در فرضی که مفسده ای بر بطلان نکاح مترتب نبوده و در مواردی که احتیاط، مقتضی آن است و غرض عقلانی دیگری هم بر انعقاد و صحت نکاح در بین نباشد، نکاح را از اساس، باطل می‌دانیم. بر این اساس، به حکم عقل، ادله صحت یا لزوم نکاح، حسب مورد، تخصیص خواهند خورد.

منابع

- آخوند خراسانی، شیخ محمد کاظم (بی تا)، **کفایه الأصول**، بی جا، قم: مؤسسه آل البیت (ع)
- اشتهاوردی، علی پناه (۱۴۱۷)، **مدارک العروه**، چاپ اول، ج ۲۹، تهران: دار الأسوه للطباعه و النشر
- اصفهانی، سید ابو الحسن (۱۴۲۲)، **وسيله النجاه (مع حواشی الإمام الخمينی)**، ج ۱، چاپ اول، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره
- ----- (۱۳۹۳)، **وسيله النجاه (مع حواشی الکلیپایگانی)**، ج ۳، چاپ اول، قم: چاپخانه مهر
- امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۰۹)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه دار العلم

- بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی (۱۴۰۱)، قواعد فقهیه، ج ۱، چاپ سوم، تهران: عروج
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۷)، منهاج الصالحین، ج ۳، چاپ پنجم، قم: دفتر آیة الله سیستانی
- خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۸)، موسوعه الإمام الخوئی، ج ۳۲، چاپ اول، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی ره
- دوست محمدی، ملیحه، غفاری، مجتبی (۱۳۹۷)، نکاح صغیره و احکام آن، کنفرانس اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان، مؤسسه آموزش عالی علامه خویی، صفحه ۱-۱۱
- ذهنی تهرانی، محمدجواد (۱۳۸۰)، تحریر الفصول فی شرح کفایه الأصول، ج ۳، چاپ اول، قم: مؤسسه الامام المنتظر (ع)
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۴)، إرشاد العقول الی مباحث الأصول، ج ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع)
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۵)، أصول الفقه المقارن فیما لا نصّ فیہ، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع)
- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳)، مهذب الأحكام فی بیان حلال و الحرام، ج ۲۴، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار
- شبیری زنجانى، سید موسی (۱۴۱۹)، کتاب نکاح، ج ۸ و ۵، چاپ اول، قم: مؤسسه رای پرداز
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶)، هدایه العباد، ج ۲، چاپ اول، قم: دار القرآن الکریم
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹)، العروه الوثقی، ج ۲، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی
- ----- (۱۴۲۸)، العروه الوثقی مع التعليقات، ج ۲، چاپ اول، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)
- ----- (بی تا)، العروه الوثقی مع تعالیک بعض الأعاظم، ج ۴، چاپ اول، قم: منشورات میثم تمار

- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**، ج ۷ و ۸، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه
- علمی سولا، محمدرضا، محمدیان، علی (۱۳۹۲)، **مبانی ممنوعیت استمتاع از زوجه نابالغ در فقه امامیه**، مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۲
- علی نژادی، محسن، علی نژادی، زهرا (۱۳۹۷)، **بررسی حقوقی فسخ نکاح و طلاق صغار در قانون مدنی ایران**، پژوهش‌های حقوقی قانون یار، شماره ۳، ۲۱۵-۲۲۸
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۶)، **اصول فقه شیعه**، ج ۶، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)
- ----- (۱۴۲۱)، **تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - النکاح**، ج ۱، چاپ اول، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، **کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحكام**، ج ۷، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی
- کشاورزولیان، نرگس، کشاورزی، ارشدی فرناز (۱۳۸۹)، **مقایسه کودک آزاری بین کودکان عادی و کودکان دارای اختلال یادگیری در مقطع ابتدایی آرشو توان بخشی (توان بخشی)**، ۴۹-۴۲
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، **حقوق خانواده**، ج ۱، چاپ سیزدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۵)، **مباحثی از اصول فقه**، ج ۱، چاپ هشتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶)، **قواعد فقه**، ج ۲، بی‌چاپ، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
- محمدزاده، اسما (۱۳۹۹)، **بررسی ارتباط آزار جنسی با اختلالات و آسیب‌های روان‌شناختی کودکان**، اولین همایش ملی روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، اردبیل،

۱۱-۱

- مدرسی، محمدتقی (۱۴۲۷)، **الفقه الاسلامی تعلیقات علی العروه الوثقی و مہذب الأحکام**، ج ۴، چاپ اول، بیروت: دارالقاری
- مراغی، سید میر عبد الفتاح (۱۴۱۷)، **العناوین الفقہیہ**، ج ۲، چاپ دوم، قم: مؤسسہ النشر الإسلامی
- مرعشی نجفی، سید شہاب الدین (۱۴۰۶)، **منہاج المؤمنین**، ج ۲، چاپ اول، قم: کتابخانہ آیہ اللہ مرعشی نجفی
- مشکینی، علی (۱۳۷۱) **اصطلاحات الاصول**، بی جا، قم: نشر الہادی
- مظفر، محمد رضا (۱۳۷۰)، **أصول الفقہ**، ج ۱، چاپ چہارم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵)، **أنوار الفقاہہ - کتاب النکاح**، ج ۱، چاپ اول، قم: مدرسہ الإمام علی بن أبی طالب (ع)
- ----- (۱۴۰۱ش)، **پایگاہ اطلاع رسانی**،
<https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=21&lid=0&catid=999&mid=262998>
- نجفی (صاحب جواہر)، محمد حسن (۱۳۶۲)، **جواہر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، محقق: عباس محقق قوچانی، ج ۲۹، چاپ ہفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- نقوی، اعظم، فاتحی زادہ، مریم، و همکاران (۱۳۸۴)، **بررسی پدیده کودک آزاری و آثار عاطفی و شخصیتی آن بر نوجوانان دختر شهر اصفهان**، مجلہ روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و پنجم، شمارہ ۲، صفحہ ۱۸۷-۲۲۱